



نگاهی به خرده فرهنگ هواداری فوتبال؛
از کارکردهای هویتی گرفته
تا آیین‌ها و مناسک خاص آن

من تیمم هستم!

بازتولید هویت

خانم ارین تارور استاد فلسفه دانشگاه آکسفورد در کتابی به اسم «من در تیم: هواداری ورزشی و بازتولید هویتی» یک جمله درخشان دارد که تکلیف نسبت هویتی فردی را که طرفدار یک تیم است با تیم مورد علاقه‌اش نشان می‌دهد. او می‌نویسد: «دوست داشتن یک تیم و هوادار آن بودن برای روان ما حیاتی است. این عشق راه به عمیق‌ترین لایه‌های هویتی ما و اینکه چه کسی هستیم می‌برد.» تارور که خود را از علاقه‌مندان به ورزش معرفی می‌کند با ادغام تجربه زیسته خود در هواداری فوتبال با دقت تحلیلی منبعث از فلسفه فمینیستی و پاسااختارگرایی، به این نتیجه می‌رسد که: «جذابیت ورزشی یکی از راه‌های اصلی است که مرزهای هویتی ما را مشخص می‌کند: درون فرهنگ هواداری، به خود می‌گوییم چه کسی هستیم و به همان اندازه می‌گوییم چه کسی نیستیم. همچنین وقتی می‌خواهیم خود را به دیگری معرفی کنیم ورزش و اینکه طرفدار چه تیمی هستیم یک وسیله قدرتمند برای ابراز تمایز هویتی ماست. همان پدیده‌ای که فوکو آن را رونق سوزن شدن (subjectivization) می‌نامد.» همان‌طور که یک مسیحی ممکن است با اعتراف، دعا و احترام به روزه بزرگ، اشکال جدیدی از هویت را ایجاد کرده و به دست آورد، یک طرفدار ورزش می‌تواند با رعایت برخی از آداب و رسوم خاص هواداری، مانند پوشیدن لباس تیم، خواندن صفحه ورزشی و تماشای یک برنامه ورزشی خاص در تلویزیون، بالا بردن اطلاعات عمومی در مورد تیم خود و بازیکنانش، خواندن شعارها، اجرای سنت‌های روز بازی و یا انتخاب نوع خاصی از دکوراسیون منزل که طرفداری از یک تیم خاصی را نشان دهد، خودش را به عنوان یک فرد خاص جلوه کند.

وفادار دائمی، یک هم‌سر نوشت

اریک سیمونز نویسنده کتاب «زندگی را زآلود طرفداران ورزش: سیری در مطالعات عشاق فوتبال» می‌گوید هواداران خود را از طریق تیم‌شان معرفی و شکست‌ها و موفقیت‌های آن تیم را در زمره اتفاق‌های زندگی خود تلقی می‌کنند. کاری که شاید بازیکنان یک تیم نکنند چون که ممکن است فقط رابطه مالی با تیم داشته باشند و فصل بعد اصلاً در آن تیم توپ نزنند اما یک طرفدار دوآتشه هر روز تیمش را عوض نمی‌کند و یک وفادار دائمی است.



همین سه هفته پیش بود که بالاترین درجه از شور و حرارت و هواداری را در مسابقات جام قهرمانان باشگاه‌های آسیا (در منطقه غرب) به پایان رساندیم که از قضا با فینالیست شدن پرسپولیس و جشن و پایکوبی هواداران دوآتشه این تیم همراه شد. اگر چه شادی آن لحظه تاب‌فنا نیست شدن که در نیلانی آخر پرسپولیس در این مسابقات به او چرسید، حالا دیگر فروکش کرده‌باین حال، هنوز طرفداران به خاطرات گرم و دلچسب آن چسبیده‌اند و مایل نیستند یا شاید حتی نمی‌توانند آن سرخوشی را کنار بگذارند. از این رو شاید زمان مناسبی باشد برای اینکه نگاهی بیندازیم به جادوی نهفته در هواداری یک تیم فوتبال و ببینیم که چطور در زندگی روزمره مانقش ایفای می‌کند: چیزی که در مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی تحت عنوان خرده فرهنگ هواداری فوتبال شناخته می‌شود و سابقه مطالعاتی طولانی دارد.